



نگاه روز

دو مادر؛ من و باغستان

آفاق موسوی

مواجه شدن با یک پیشنهاد غیر منتظره در اواخر تیرماه برایم جذاب بود.

دوست تهیه کننده‌ای در یک دورهمی به من پیشنهاد ساخت فیلمی درباره باغستان قزوین را داد که یکی از فیلم‌های یک مجموعه مستند درباره شهر قزوین بود.

دلیل غیر منتظر بودن، وضعیت جسمی من بود که در ماه پنجم بارداری به سر می‌بردم و باید بیشتر به فکر مراقبت‌های این دوران می‌بودم؛ اما در این میان یک فیلمساز مستند با علم دانستن این ماجرا از من درخواست ساخت مستند داشت؛ شاخه‌ای از سینما که بسیار به آن علاقه‌مندم.

تجربه تدوین مستند داشتیم؛ اما دوست داشتیم کارگردانی مستند را تجربه کنیم، ولی فرآیند تهیه‌های زندگی این فرصت را از من گرفته بود. با توکل به پروردگار و مشورت با همسر تصمیم به ساخت کردم.

موضوع باغستان را دوست داشتیم؛ چراکه در درجه اول اینکه حس کردم هر دو زن هستیم و شرایط یکدیگر را درک می‌کنیم، درخت مظهر زایش و برکت و زندگی است همانند زن همانند من.

از سوی دیگر این موضوع برای تحقیق محتوای زیادی به لحاظ تاریخیچه و قدمت داشت. درخان باغستان قزوین به اندازه ۷۰۰ سال ۸۰۰ سال سن دارند و و باغستان بزرگترین اکوسیستم کشور است.

می‌دانستم باغستان پتانسیل بالایی برای ساخت مستند دارد، از وسعت ۲۵۰۰ هکتار تا فرهنگ باغداری و باغدار و دخو تا پسته و بادام و سفرنامه ناصر خسرو و کتاب علامه دهخدا.

این تحقیقات حلقه گشوده‌ای داشت که نمی‌دانستم چیست؟ در جلسات و پیگیری‌های مختلف به واژه «هویت فرهنگی باغستان» رسیدم که چند دست بالاتر از اهمیت اقتصادی، زیست محیطی، منظری باغستان بود، یعنی فرهنگ، آداب و رسوم.

موضوع ساخت فیلم را از خانواده پدری‌ام پنهان کرده بودم؛ چون می‌دانستم که از ساخت این پروژه در وضعیت بارداری مرا سرزنش خواهند کرد، رسیدن ماه گرم مرداد هم دلیل موجه تری بود پس سخنی کاره؛ اما درویناتم دچار تحولات خاصی شده بود و نمی‌توانستم بی‌خیال آن همه دغدغه شوم.

وظیفه یک مادر ساخت آینده فرزند و فرزندانش است؛ اما با خودم گفتم، اگر میان راه این هدف را ترک کنم، شاید بیست یا پانجاه سال بعد فرزندم دچار تنگی نفس، مشکلات ریوی و قلبی شود، پس نگرانی من به جا و درست است و برای مادری تمرین خوبی است. زمان تحقیقات تمام شد و به رویکرد داستان رسیدم. چه رویکردی بهتر از قصه آدم‌ها، چون این قصه است که در خاطرات می‌ماند. روایت فیلم درباره دختری است که قصد دارد با هنر شهری خود باغستان را به یاد مردم و شهر بیندازد تا در کتاب‌های تاریخ ۱۰۰ سال بعد قزوین تبدیل به مخروبه نشود.

یکی از شانس‌های بزرگ من در تولید این اثر داشتن یک تیم فیلمساز متعهد بود، تیم صدا و تصویر، یش تولید، راوی، تهیه کننده و همه عوامل که یک دل با من همکاری کردند؛ حتی پیشنهادهای بهتری دادند که به قوت کار اضافه می‌کرد.

با تمام شدن مرداد ماه کار تولید هم تمام شد. به لطف خدا قصه‌ای از باغستان سنتی قزوین ساختیم که امیدوارم به بقای آن کمک کند و بتواند تاثیر بگذارد.

صنعت سینما قبل از اینکه هنر باشد، دوربین و رکورد و بیچ و مهره است که مکانیک است. آنچه از سینما هنر می‌سازد قصه‌هاست و امید دارم که از این تکنولوژی همیشه شادایی و برکت و زندگی را ببینیم.

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۱۱۴۱ | شماره ۳۳۳۱۱۴۲

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

مپ

معمولا از مدرسه و زنگ انشا شروع می‌شود. کسانی که قرار است در آینده به نوشتن روی بیاورند همیشه برای این زنگ ذوق عجیبی داشته‌اند؛ البته تشویق معلمان و بیشتر هم معلم ادبیات در کشف این استعداد و ثابت قدم شدن در مسیر نقش بسیار داشته‌است؛ اما این فقط شروع ماجراست و اصل ماجرا ادامه‌ی کار است. پیمودن راه شیرین، اما سخت نوشتن عرق ریزان روحی می‌طلبد که هر کسی از پش بر نمی‌آید.

برای لیلیا روغنگیر قزوینی که این سال‌ها کار اصلی‌اش نوشتن بوده، شروع مسیرش همین طور بوده‌است؛ از مدرسه و تشویق معلم پرورشی شروع می‌شود و در ادامه راهش را پیدا می‌کند. می‌گوید کتاب ادبیات خواهر بزرگ‌ترش را می‌خوانده و معنی اشعار را یاد می‌گرفته و بعدها شب‌های شعر شرکت می‌کرده‌است. خانواده استعداد او را جدی می‌گیرد و او را به کلاس داستان برای یادگیری تکنیک‌های نوشتن می‌فرستد. در کنار همه این‌ها فیلم دیدن نیز به او کمک زیادی می‌کند و می‌گوید فیلمی نبود که روی پرده بیاید و من نبینم؛ اینگونه او از همان سال‌ها مسیرش را انتخاب می‌کند و همچنان در این راه سخت مصمم قدم برمی‌دارد.

گل اندام صفری

- **در دانشگاه چه رشته‌ای خواندی، به آن علاقه داشتی یا مثل خیلی از هنرمندان رشته دانشگاهی‌ات ارتباطی به هنرت نداشته‌است؟**

رشته دانشگاهم تاریخ بود و اصلا از خواندن این رشته پشیمان نیستم، هنوز هم عاشقانه رشته تاریخ را دوست دارم، به نظرم این رشته به نوشتنم بسیار کمک کرد.

عاشقانه‌های نویسندگی با لیلیا روغنگیر قزوینی

وقتی خواب‌هم فراموش می‌شود



خیلی سخت است و تقریباً نمی‌شود.

- **هر نویسنده‌ای عادت‌های نوشتن مخصوص به خود را دارد. دوست دارم چند عادت تو را بدانم.**

من فقط شب‌ها می‌نویسم، به خصوص ۱۲ شب به بعد؛ حتی چند بار پیش آمده که بیدار رفته باید بخوابم و تا هشت صبح بیدار بوده‌ام. البته سکوت و آرامش شب برای نوشتن خیلی مفید است. طی روز خیلی کم پیش می‌آید کار انجام دهم، مگر اینکه سفارش کاری داشته‌باشم و برای تحویلش عجله داشته‌باشم.

گاهی موسیقی گوش می‌دهم. گاهی هم نیم ساعت چیزی نمی‌نویسم و کتاب شعر می‌خوانم یا عکس می‌بینم. موسیقی، شعر و دیدن عکس و فیلم را به بقیه هم پیشنهاد می‌کنم؛ چون ذهن را باز می‌کنند و ایده می‌دهند. یک نویسنده باید با همه هنرها ارتباط نزدیکی داشته باشد؛ اما دیر خوابیدن و حتی نخوابیدن را نمی‌توانم پیشنهاد دهم، زیرا

گلد و منظر

سید حسین میر کمالی



واژه نامه



- **واژه ی فخمیه ی : کام رس**

Kam ras به معنی کاملاً رسیده

۴ مثال بکند: الهی خیر آجوائی تان نبیند کی تا چش مَن دور می‌بینی تانا یا هر چی دُستان میاد مقصی تان به جهان این درخت زبَان بَسْته؛ آنچه یا بَداریان کام رَس شَد بارش؛ بَهو هَشَش پَنکانی مان؛ اول آخِرَش کی مَرَد تو خندِ بلای شِماها؛ چه مر گشتنِ پس کال کالکی گردو آَر مَکیتان، حاج آقا سَر از گور در آَرَه ببیند شِماها چه ارادلی

نگارخانه شهر

محرم از دریچه هنر روایت می‌شود؛

خون نوشت

شادی کلجه

ماه محرم که فرا می‌رسد، در کنار همه مردم که با حضور در مساجد و تکیا به عزاداری می‌پردازند، برخی هنرمندان نیز تلاش می‌کنند با خلق آثار هنری به شکلی دیگر و با زبان هنری خود سوگ‌شان را نشان دهند و از سوی دیگر بتوانند تاثیر بگذارند و درجه تازماری را از این رویداد مهم تاریخی به روی دیدگان بکشایند.

یک اتفاق هنری تازه‌ای در این ایام در حال برگزاری بود و آن نمایشگاه گروهی «خون نوشته» بود که به همت واحد هنرهای تجسمی حوزه هنری قزوین در نگارخانه مهر برپا بود.

این نمایشگاه را از آن جهت می‌توان اتفاق نو و خلاقانه خواند که توانسته بود جمعی از شاعران، عکاسان و خوشنویسان را برای خلق این آثار کنار هم قرار دهد.

مریم کریمی که این تابلوها را علاوه بر طراحی بخش گرافیک آن‌ها، تنظیم، تهیه و چیدمان کرده‌است به «پیام شهر» می‌گوید: به‌مدت دوماه به‌صورت شبانه روزی تولید این آثار زمان برده‌است؛ چراکه باید برای هر قطعه شعر، عکس مورد نظر را انتخاب می‌کردم و بعد خوشنویسان بخش مربوط به خوشنویسی را آماده می‌کردند.

در این نمایشگاه بیست و هشت اثر ۵۰، ۷۰ و ۳۰ تریسب؛ عکس، شعر و خوشنویسی از هنرمندان قزوین در معرض دید قرار می‌گیرد.

«خون نوشته» در واقع روایتی هنرمندانه از واقعه عظیم عاشورا است که سیزده شاعر، هفت خوشنویس و نه عکاسان سه‌سیم کرده‌اند. کنار هم قرار گرفتن چهار هنر برای بیان یک واقعه قطعا می‌تواند در ذهن قریب‌تری نسبت به حادثه عاشورا در قلب او بیفتد؛ چراکه تاثیر غیر قابل هنر را در بیان این رویداد چندبرابر می‌کند.

کریمی می‌گوید وقتی ایده ایده برای این نمایشگاه را مطرح می‌کردم، از آنجا که تا به‌حال اجرا نشده‌بود کسی ابهام و شاید تردید از تاثیر گذاری در ذهن بر گزار کنندگان و حمایت کنندگان وجود داشت؛ اما وقتی بر گزار و با استقبال خوب روبرو گردید، رضایت خاطر همگان فراهم شد. انتظار می‌رود هنرمندان قزوین خلاق برای خلق ایده‌های تازه اینجینتی بیشتر مورد حمایت قرار بگیرند؛ البته لازم آن این است که احساس اعتماد بیشتری نسبت به هنرمندان به وجود آید.

جارجی

- خانه فرهنگ شهرداری بوئین زهرا با حضور شهردار و مسئولین شهر بوئین زهرا و هنرمندان پیشکسوت آقایان حبیب حمیدی، یعقوب یعقوبی، علی کاظم لو و کامران کاکاوند افتتاح شد.



- **کارگاه یک روزه با عنوان «موانع داستان»** با حضور محمد حسن شهسواری نویسنده و مدرس داستان برای نویسنده‌گان فیلمنامه نویسان و نمایشنامه نویسان روز پنج شنبه ۱۴ شهریور ماه در سالن مولانای مجتمع هنری ارشد قزوین بر گزار شد. در این کارگاه به موضوعاتی پیرامون داستان و موانع نوشتن بر سر راه نویسنده‌گان پرداخته شد.



- **امین رحمانی عکاس جوان قزوینی موفق به کسب رتبه دوم در بخش "چهره شهر" در جشنواره ملی عکس زنان شد.**

- **نست ادبی تحلیلی «دست به نقد»** با موضوع ارزش نقد ادبی، به همت انجمن ادبی آسوریک با همکاری کافه گالری هنرمندان و اجرای محمد بهر برادر روز چهارشنبه ۲۰ شهریور ماه برگزار شد. در این نشست گفتارهایی درباره ضرورت نقد ادبی در دنیای امروز، رویکردهای نقد ادبی مدرن و دیگر عناوین مرتبط بررسی شد